

طمع‌ورزی در آیات و روایات

فاطمه کیان منش^۱

چکیده

انسان بر اساس کلام وحی و تدبیر و راهنمایی ائمه هدی علیهم السلام می‌تواند مسیر بندگی خداوند متعال را به بهترین وجه طی کند. یکی از امراض نفسانی که ریشه در حب دنیا و وابستگی‌های دنیایی دارد، طمع می‌باشد. واژه طمع ۱۲ بار در قرآن کریم آمده است. در تمام کتاب‌های اخلاقی نیز مفصلاً در مورد طمع و آثار و تذکرات مهمی وارد شده است. در این تحقیق بدنیال تبیین دقیق این صفت نفسانی و ارایه راهکارهای اخلاقی و عملی برای درمان و کنترل این صفت هستیم.

تبعات طمع ورزی می‌تواند این موارد را در پی داشته باشد:

حب دنیا، ضعف نفس، ناامیدی از رحمت خدا، ذلت در دنیا، سلب آزادگی در دنیا، از بین رفتن حکمت، تباه شدن اعمال، خودباختگی و غیره.

راه‌های درمان طمع‌ورزی که این راه‌ها به دودسته علمی و عملی تقسیم می‌شود علمی مانند تفکر، تحقیق و... و عملی مانند احیا روحیه استقلال، قناعت ورزی و... است.

کلید واژگان:

طمع، طمع ورزی، حرص

مقدمه:

طمع راهی است که بازگشت ندارد و ضامنی است بی وفا چه بسا نوشته اند که قبل از سیر آب شدن را گرفته است.

۱. محصل سطح ۲ عمومی مدرسه علمیه حضرت زینب استان یزد kianyankiankian@gmail.com

هر چیزی که عظمت آن زیادتر باشد و برای بدست آوردن آن بیشتر مبارزه شود. برای بدست آوردن آن مبارزه شود برای از دست رفتنش مصیبت شدیدتر است. حرص و طمع بسیار به یکدیگر نزدیک اند، حرص شدت تمایل درونی به چیزی است ولی در طمع شدت علاقه نیست بلکه آرزوی تنها است و انسان طماع آرزو می کند که ای کاش فلان نعمتی که دیگری دارد من داشتم. بنابراین از اخلاقی صفت طمع در رتبه ی پایین تری از حرص قرار دارد. اما از نظر رتبه بندی طمع بر حرص است. زیرا تا کسی اهل طمع نباشد به حرص مبتلا نمی شود و طمع مقدمه ی حرص است. یعنی در ابتدا انسان به اموال دیگران چشم میدوزد و طمع میکند که ای کاش فلان نعمت را داشتم و سپس اگر از خود مرلقبت نکند به حرص مبتلا شده و شدت علاقه را به او پیدا می کند.

أَعْجَبُ مَا فِي النَّاسِ قَلْبُهُ وَ لَهُ مَوَارِدُ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ أَضْدَادُ مِنْ خِلَافِهَا فَإِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذْ لَهُ الطَّمَعُ وَ إِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْجِرْصُ وَ إِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ قَتَلَهُ السَّفْءُ... فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضِرٌّ وَ كُلُّ إِفْرَاطٍ بِهِ مُفْسِدٌ؛ شگفت‌ترین عضو انسان قلب اوست و قلب مایه هایی از حکمت و ضد حکمت دارد. اگر آرزو به آن دست دهد، طمع خوارش می گرداند و اگر طمع در آن سر برکشد، حرص نابودش می کند و اگر ناامیدی بر آن مسلط شود، اندوه، او را می کشد... هر کوتاهی برایش زیانبار است و هر زیاده روی برایش تباهی آفرین^۱.

بیان مساله:

انسان ها از دیرباز به دنبال کسب سعادت بوده اند و هریک برای دسترسی به آن راهی را انتخاب نموده اند، اما سعادت حقیقی که قرب الهی و ملاقات اوست تنها با پیروی از قرآن و هدایت معصومین میسر است. انسان از منظر قرآن مسافری است رهسپار لقاء و قرب الهی: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» ای انسان تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت میروی و او را ملاقات خواهی کرد». (انشقاق، ۶) و برای پیمودن این راه باید از رهنمدهای قرآن بهره جوید و همینطور از ارشادات اولیاء و معصومین نیز استفاده کند و بدیهی است هر که

^۱. علل الشرایع، ص ۱۰۹، ح ۷

سعادت را از غیر قرآن بجوید گمراه شده است. لازم به ذکر است در قرآن سعادت و فلاح دارای رابطه تنگاتنگ با تزکیه و نهذیب است تا آن جا که در این کتاب آسمانی می خوانیم: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» هر کس نفس خود را تزکیه کرده، رستگار شده است.^۱

شناخت صفات حمیده و قبیحه و تمیز فضایل از رذایل شرط اساسی اخلاق اسلامی و اصلاح آن می باشد، چه آنکس که خلق خوب و بد را می شناسد فضیلت را از رذیلت تمیز نمی دهد نمی تواند به محاسن اخلاق گرایش یابد و ازسیات اخلاقی اجتناب نماید. در این بین طمع یکی از شایع ترین رذایل اخلاقی است که کم و بیش در بین جامعه ظاهر میشود که همچنین در تقابل با آن صفت قناعت از فضایل انسان کامل می باشد. ریشه طمع علاقه بیش از حد به دنیا است زیراکسی که میل و عطش زیاد به مال، مقام، تجملات و لذایذ دنیوی دارد به آن چه خود دارد قانع نمی شود و چشم به آن چهر دست دیگران است می دوزد. بدون شک کسی که گرفتار خوی زیان بار طمع می باشد و به مال و مقام و آن چه در دست دیگران است چشم دوخته و برای به دست آوردن آن ها عشق می ورزند و از نداشتن آن ها در اندوه و حسرت است ازشناخت خود غافل مانده و در هدف از آفرینش خویش دچار سردرگمی نیز شده است. از این رو برآن هستیم طمع و طمع ورزی در آیات و روایات را مورد بررسی قرار دهیم.

ضرورت و اهمیت تحقیق:

با اندک تامل در فسادها و ناهنجاری های موجود در جامعه به راحتی می توان نقش طمع و حرص را در دامن زدن به این مسائل مشاهده کرد. طمع و زیاده خواهی از دوردست های تاریخ تاکنون همواره مسبب مشکلات و فسادهایی در سطح خرد و کلان بوده است. انسانی که به این رذیله اخلاقی آلوده شده است همواره به ریاست و پول و مقام چشم دوخته است و همیشه در فکر است که چگونه می تواند آن ها را در تصرف خود درآورد. توجه به مضامین فوق حاکی از خطیر بودن این رذیله اخلاقی و پیامدهای شوم آن است.

^۱. شمس، ۹

از این رو بر آن شدیم تا این مفهوم را با نگاهی قرآنی و روایی مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه تحقیق:

پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است یا در مورد قناعت بوده مانند قناعت و نقش آن در تحکیم خانواده توسط زهرا قربانی در مدرسه علمیه حضرت نرجس سلام‌الله علیها در سال ۱۳۹۳ نوشته شده است به مفهوم فواید و جایگاه قناعت که راهکاری برای حل طمع است پرداخته و از طمع بحث نشده است و یا ماهیت قناعت در اخلاق اسلامی توسط مجید رستمی در دانشگاه زنجان در سال ۱۳۹۷ نوشته شده است به معنای قناعت و زهد و... پرداخته و آثار و فواید آن را بیان کرده است و یا ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی حرص-قناعت توسط عباس علی هراتیان، مژگان آگاه هریس، زهرا محمدی، فاطمه السادات شمسی نژاد در مجله علمی پژوهشی روانشناسی دین در سال ۱۳۹۳ نوشته و چاپ شده است که به این موضع نپرداخته است و یا بررسی تأثیر قناعت در آرامش در قرآن و توسط فریبا کاکائی در مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام در سال ۱۳۹۴ نوشته شده است به مفهوم قناعت آثار قناعت بر آرامش پرداخته است و یا واکاوی مفهوم حرص در پرتو احادیث امام رضا علیه سلام توسط محمدرضا جواهری در مجله علمی پژوهشی ادیان، مذاهب و عرفان در سال ۱۳۹۵ نوشته و چاپ شده است انواع حرص و مفهوم حرص از نظر معصومین را بیان کرده است هیچ‌کدام از این آثار به طمع‌ورزی آثار انواع و اسباب آن نپرداخته اند.

هدف تحقیق:

هدف از این تحقیق آن است پرداختن به یکی از رذایل اخلاقی است که بسیار خطرناک است و بیان کردن مواردی از این رذيله که شاید کمتر به آن پرداخته شده باشد تا هم به معلومات خویش و هم دوستان بزرگوار افزوده شود تا اسیر طمع نشویم طمع ممدوح بیان شده است تا انسان طمع خویش را بر روی طمع ممدوح متمرکز کند و به آن سوق دهد.

مفاهیم :

حرص در لغت:

یکی از صفات و رذایلی که انسان به آن مبتلا می‌شود و در آیات و روایات هم ذکر شده است و فرد را از داشتن آن منع کرده‌اند طمع می‌باشد که لازم به ذکر است که ارتباط و افتراقی بین کلمه طمع با حرص وجود دارد.

حرص در لغت: شدت در اراده و غلبه ی خواستن مطلوب را گویند.^۱

حرص در قرآن کریم؛ به معنای علاقه شدید و میل فراوان و رغبت بسیار و افراط در اراده است.^۲

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنْ تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ - -- اگر به هدایت کردنشان علاقه داری خدا کسی را که به ضلالت محکوم کرده هدایت نمی‌کند و برای آنان یآوری نیست»^۳

حرص در اصطلاح:

حرص در اصطلاح علم اخلاق: علاقه ی شدید به دنیا و جمع و تکثیر و ذخیره کردن و سرگرم شدن به کامجویی از آن است، که لازمه ی آن آرزوی دراز می‌باشد و آن امید به دستیابی به لذت‌ها و تمنای رسیدن به خواستنی‌ها ی نفسانی است، اگر چه از نظر اندازه و چگونگی و مکان و زمان دور از دسترس باشد.

حرص در علم اخلاق:

۱- علمای اخلاق آن را از رذایل اخلاقی و متعلق به قوه شهویه می‌دانند. امیر مومنان (علیه السلام) تعبیر جالبی در تعریف حرص دارد و می‌فرماید: «هو طلب القليل باضاعة الكثير - حرص آن است که انسان چیز کمی را جستجو کند در برابر چیز بسیاری که از دست می‌دهد.»^۴

^۱. لسان العرب

^۲. راغب اصفهانی المفردات فی غریب القرآن

^۳. نحل: ۳۷

^۴. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۶۷

و تولید نابهنجاری می‌شود و برای جامعه نیز خطرآفرین است. خداوند می‌فرماید که برای جلوگیری از طمع‌ورزی مردان بیمار دل باید سخن نیک و معروف گفت و با طنز و ادا و اطوار سخن نگفت:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِن تَقِيَّتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید!»

پس تغییر شرایط و محیط اطراف می‌تواند در مدیریت و مهار طمع مفید باشد و دستکم از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری نماید. طمع فقط به اموال و جایگاه و... نیست یکی از موارد طمع مذموم همین طمع است.

نتیجه‌گیری

طمع صفتی است نفسانی که در تمام ابعاد زندگی اثرگذار خواهد بود اما برخلاف آنچه در ذهن ما است و طمع را کامل مذموم میدانیم طمع ممدوح نیز وجود دارد که همان‌طور که طمع مذموم بسیار مذمت شده است و از آن نهی شده است برخلاف آن به طمع ممدوح سفارش شده است در این اثر به طمع، اسباب طمع، آثار طمع، راه‌های درمان طمع به صورت مختصر و در حد این مقاله پرداخته شده است.

با مراجعه به آیات و روایات و بررسی آیاتی که در مورد حرص و طمع به چند نکته در مورد حرص پی می‌بریم اولین نکته طمع ممدوح و مذموم که بیان شد.

دومین نکته به عوامل طمع مانند ناامیدی از رحمت خدا، پندار جاودانگی، ظلم و... برمی‌خوریم

سومین نکته آثار طمع که شامل آثار دنیوی مانند از دست دادن حکمت، ذلیل شدن در دنیا و... و آثار اخروی

ذلیل شدن در آخرت، تباهی اعمال ، خشم و غضب خداوند
و....

و نکته آخر و مهم درمان و یا راه دچار نشدن این
صفت رذیله است درمان علمی مانند مطالعه آثار و
پیامدهای طمع، مطالعه احوال و سیره معصومین و بزرگان
و درمان عملی مانند، ارتباط دائمی با خداوند
تبارکوتعالی، قناعت ورزی، همنشینی با انسان‌های قانع و
عدم همنشینی با انسان‌های حریص و طماع. اگر فردی دچار
صفت طمع شود نه تنها برای خود او بسیار خطرناک است؛
بلکه بسیار تهدیدکننده برای جامعه نیز است فردی طماع
برای رسیدن به خواسته‌هایش از هیچ‌چیز فروگذار نمی‌کند و
هر چیز که لازم باشد را هزینه می‌کند تا به خواسته‌هایش
برسد نتیجه آن می‌شود ضررهای فراوان و جبران‌ناپذیر به
خود و خانواده و مملکت پس بسیار مهم است و اهمیت دارد
که انسان سعی کند دچار طمع نشود و اگر شد درصدد درمان
آن برآید این اثر به همین منظور نوشته شده است تا ان
شاء الله کمکی به این امر باشد.

حد اعتدال هوا و هوس آن است که در وقت نیاز، به
اندازه حاجت به دنبال آن برویم که این امر نباید باعث
شود ناگاه از خداوند متعال غفلت کنیم. پس اگر انسان
بیشتر از حاجت خود میل پیدا کند صفت طمع ظهور می‌کند
که یکی از ریشه‌های کفر است پس اگر کسی به راهکارهایی
که برای درمان این رذیله در آیات و روایات تبیین شده،
عمل کند از بعضی گناهان در امان خواهد بود و این در
زندگی امر مهم و بزرگی است.

در آخر این مطلب بسیار حائز اهمیت است که اگر برای
درمان این صفت رذیله طمع پیشگیری نکنیم در گمراهی مطلق
به سر می‌بریم. حتی پیامبر اسلام (ص) بر هدایت ما برای
رسیدن به کمال اصرار ورزد. در سوره نحل آیه ۳۷ می
خوانیم: **إِنْ تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ ۖ وَمَا
لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ**؛ اگر تو بر هدایت آنان حرص می‌ورزی
(فایده ای ندارد زیرا) خداوند کسی را که در گمراهی رها
کرده هدایت نمی‌کند و آن‌ها را هیچ یاری کننده ای
نیست». ای ایه خطاب به پیامبر می‌فرماید برای آن‌ها
دلسوزی مکن که دلسوزی تو بی اثر است، زیرا قلب آنان
را خداوند مهر کرده و دیگر قابل هدایت نیستند.

فهرست منابع

قرآن کریم .

مفاتیح الجنان

کتابهای فارسی

۱. اسحاقی، سید حسین، **ملکوت اخلاق**، بی‌جا: مشعر، بی‌تا .

۲. امامی، عبدالنبی، **فرهنگ قرآن** (اخلاق حمیده)، چاپ اول، قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۹.

۳. انصاری، محمد علی، **سودای نفس (شناخت آسیب های نفس در پرتوی قرآن کریم)**، بی‌جا: بیان هدایت نور وابسته به موسسه فرهنگی بیان، ۱۹۳.

۴. رحیمی اصفهانی، غلام حسین، **اخلاق اسلامی**، تهران: انتشارات عسکریه، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۵. ضیاء آبادی، محمد، **موعظه**، تهران: بنیاد خیریه الزهراء، ۱۳۹۰.

۶. طباطبایی، محمدحسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.

۷. غضنفری، علی، **ره رستگاری**، قم: انتشارات لاهیجی، ۱۳۸۲.

۸. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

۹. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲ش.

۱۰. مکارم شیرازی ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.

کتابهای عربی

۱۱. آلوسی، سید محمود، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق: علی عبد الباری عطیه، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۱۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غررالحکم و درر الکلم**، تحقیق: سید مهدی رجائی، چاپ دوم: قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

١٣. ابن بابويه، محمد بن علي، **الخصال**، محقق /
 مصحح: علي اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسين، ١٣٦٢
 ش.
١٤. تميمي آمدى، عبد الواحد بن محمد، **غرر الحكم
 و درر الكلم**، محقق / مصحح: سيد مهدي رجائي، قم:
 دار الكتاب الإسلامي، چاپ دوم، ١٤١٠ ق.
١٥. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، **مفردات ألفاظ
 القرآن**، بيروت: دار القلم، چاپ اول، بی‌تا.
١٦. طبرسي، فضل بن حسن، **مجمع البيان في تفسير
 القرآن**، بيروت: موسسه الاعلمي للمطبوعات، چاپ
 دوم، ١٤١٥ .
١٧. قدری شاذلی هندی، علاء الدين علي بن حسام
 الدين، **كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال**، بی‌جا
 : موسسه الرساله ، چاپ پنجم، ١٤٠١ ق .
١٨. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**،
 بيروت: احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ١٤٠٣ ق.
١٩. نوري، حسين بن محمد تقي، **مستدرک الوسائل و
 مستنبط الوسائل**، بيروت: موسسه آل البيت، ١٤٠٨ .
٢٠. ورام بن أبي فراس، مسعود بن عيسى، **مجموعة
 ورام**، قم: مكتبه فقيه، ١٤١٠ ق.